





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

عنوان:

بررسی انتقادی آرایههای بدیعی بر اساس کتب معتبر بلاغی فارسی

نکارش:

ابراهیم دانش

استاد راهنما:

دکتر سعید واعظ

استادان مشاور:

دکتر غلامرضا مستعلی پارسا

دکتر شیرزاد طایفی

رساله برای دریافت درجه دکتری (PHD) در رشته زبان و ادبیات فارسی

شهریور 1391

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی انتقادی آرایه های بدیعی در کتب معتبر بلاغی فارسی
نویسنده / محقق: ابراهیم دانش
مترجم: _____
استاد راهنما: دکتر سعید واعظ استاد مشاور: دکتر غلامرضا مستعلی پارسا استاد مشاور: دکتر شیرزاد طایفی استاد داور: دکتر محمدحسن حسن زاده نیری استاد داور: دکتر حمیدرضا شایگان فر
کتابنامه: _____ واژه نامه: _____
نوع پایان نامه: <input type="checkbox"/> بنیادی * <input type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: دکتری سال تحصیلی: 1390-1391 ورودی: مهر 1386
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی
تعداد صفحات: 519 گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه ها به زبان فارسی: آرایه های بدیعی، کتب بلاغی فارسی، نقد و بررسی
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: Embellishments, Persian rhetorical books, Study & Criticizing

بِسْمِ تَعَالَى



دانشگاه علامه طباطبائی
انستیتوی ادبیات فارسی و زبان فارسی

شماره:
تاریخ:
پوست:

صورت جلسه دفاع از رساله دکتری

رشته زبان و ادبیات فارسی

جلسه علنی دفاع از رساله خانم/آقای ابراهیم دانش داوطلب احراز درجه دکتری

عنوان: « بررسی انتقادی آرایه های بدیعی در کتب معتبر بلاغی فارسی »

از دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی در ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۶/۲۹ با حضور تعدادی از اعضای هیئت علمی و جمعی از دانشجویان و علاقمندان در محل سالن شهید مطهری دانشکده تشکیل شد.

پس از تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید، داوطلب خطابه ای در معرفی رساله خود و دفاع از آن قرائت کرد. سپس اعضای داورى سؤالاتی را درباره مطالب رساله مطرح کردند که داوطلب در مقام دفاع به پاسخگویی پرداخت. آنگاه جلسه برای شور و تبادل نظر مدتی تعطیل شد.

اعضای هیئت داورى پس از تبادل نظر و بررسی مجدد رساله و ارزیابی پاسخهای داوطلب به اتفاق آراء آن را با درجه عالی و نمره ۲۰ پذیرفتند.

استاد مشاور
دکتر شیرزاد طایفی
مدیر گروه آموزشی
دکتر محمدحسن حسن زاده نیری
رئیس دانشکده
دکتر عباسعلی وفایی

استاد مشاور
دکتر غلامرضا مستعلی پارسا
استاد داور (مدعو)
دکتر شایگان فر
رئیس هیئت آموزشی
نایب رئیس هیئت آموزشی
دکتر ابراهیم

استاد راهنما
دکتر سعید سعیدی
استاد داور
دکتر محمدحسن حسن زاده نیری
معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده
دکتر مجید صالح بک

تقدیم به:

پدر بزرگوارم به منزه بوسهای بردستهای پینه بستهایش

مادر مهربان و عزیزم به پاس نگاه نگران و امیدوارش

همسرفداکار و صبورم به پاس حمایت بیدریغش و تمام لطفها و گذشتهایش

و به:

بدیعترین آرایه زندگیم ؛ دخترم

﴿آرامی﴾

«تشان به ناز طیبیان نیاز مند باد»

سپاس صمیمانه ام تقدیم به:

استاد بزرگوارم دکتر سعید واعظ که برنده منت نهادند و راهنمایی این رساله را پذیرفتند.

استادان گرامی دکتر غلامرضا مستعلی پارسا و دکتر شیرزاد طایفی که مشاور اینجانب بودند.

استادان بزرگوار دکتر ایرانزاده و دکتر حسرتزاده که بی مزد بود و منت تمام راهنمایی‌هایشان در طول تحصیل در دانشگاه علامه طباطبائی

و

سایر استادان بزرگوار دانشگاه علامه طباطبائی که خوشه چین خرم علم و دانش و ادب و معرفت آنها بودم.

نیز

دوستان و همکلاسیهایم در دانشگاه علامه طباطبائی و دوستان بزرگوارم در دانشگاههای اردبیل

«وجودنازکشان آزرده کنند مباد»

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

موضوع تحقیق

موضوع این رساله بررسی انتقادی آرایه‌های بدیعی در کتب معتبر بلاغی فارسی است. آرایه‌های بدیعی از عوامل مهم تبدیل کلام عادی به ادبی یا تعالی کلام ادبی به درجه‌ی بالاتر از ادبیت و از معیارهای مهم نقد آثار ادبی به ویژه در حوزه نقد فنی و زیباییشناسی به شمار می‌رود. با وجود این که حدود نه قرن از تألیف اولین کتاب بلاغت به زبان فارسی می‌گذرد متأسفانه تاکنون پژوهشی دقیق و همه‌جانبه در این باب صورت نگرفته است و خلاء کار علمی، انتقادی، همه‌جانبه و روشمندی در بررسی و دسته‌بندی آرایه‌های بدیعی و بیان ارزشه‌ها، کارکرد هنری، علل زیبایی و تأثیرهای زیبایی‌شناختی آنها و نیز بررسی انتقادی کتابهایی که در این زمینه تألیف شده به خوبی احساس می‌شود. انحطاط در این زمینه توسط اولین مقلد ترجمان البلاغه؛ رشیدالدین وطواط آغاز می‌شود که متأسفانه تا به امروز گریبانگیر این علم بوده است. بررسی کتب بلاغی فارسی نشان می‌دهد که تا عصر حاضر تنها رشدی که در علم بدیع صورت گرفته فقط رشد کمی آرایه‌ها بوده است. در کتب قدیمی آرایه‌های بیانی و بدیعی و گاهی حتی مسائل مخصوص معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه بون هیچ نظم و تناسبی در یک کتاب آمده است. به طور کلی لزوم توجه دقیق و علمی به بدیع فارسی برای اولین بار در کتاب *نگاهی تازه به بدیع مطرح شد* و نویسنده کتاب مذکور اگرچه خود را نتوانست از قید تقسیم‌بندی آرایه‌ها به دو دسته لفظی و معنوی رها سازد اما برای اولین بار سعی کرد به کشف روابط بین آرایه‌ها و دستبندی آنها بر این اساس بپردازد. پس از ایشان تعدادی از نویسندگان دیگر خواستند تا از قافله نگاه تازه به این مقوله عقب نمانند و برخی نام نقد را بر کتاب خود نهادند گرچه از نقد به معنای واقعی کلمه در اثرشان چیزی دیده نشد و برخی هم سعی کردند به بررسی سیر تاریخی این دانش بپردازند.

اهمیت و ضرورت موضوع

با توجه به اینکه دانش بدیع فارسی از ابتدای پیدایش، تا عصر حاضر به دلایل متعددی دچار رکود و انحطاط بوده و همگام با رشد ادب فارسی رشد لازم را نکرده است و لذا جوابگوی نیازهای موجود در بررسی آثار ادبی فارسی از این لحاظ نیست و کارهایی هم که اخیراً انجام شده جامعیت و دقت لازم را ندارند و حتی برخی از زمینها همچون بدیع تصویری و بررسی کارکرد هنری و لازمه آن در آرایه‌ها یا دلایل زیباشناختی و تأثیر گذاری آنها و نیز طبقه‌بندی دقیق و مناسب و سادگی و سهولت تعاریف و مثالها برای آموزش و تناسب مثالها با تعاریف و ... به شدت مورد اغفال واقع شده است؛ انجام پژوهشی جامع و دقیق و علمی در این زمینه بسیار ضروری است تا علاوه بر نقد و بررسی نظر قدما و معاصرین، این نابسامانی را برطرف نموده اثری منسجم شامل نامگذاری دقیق، تعاریف علمی و مناسب، طبقه بندی صحیح و اصولی و مثالهایی روشن و بسنده پدید آورد که هم برای آموزش راحت باشد و هم وضع مطلوبی برای این علم مهم و معیار ارجمند ارزشگذاری آثار ادبی فراهم کند.

اکثر کتب بدیعی رونوشت برداری از آثار قبل از خود و به ویژه اسلاف این زمینه از قبیل ترجمان البلاغه، المعجم، حدائق السحر و ... می باشد (حتی در زمینه مثالها هم این رونوشت برداری مشهود است) و مشکلاتی از قبیل تشتت در نامگذاری، دسته بندی نامناسب آرایه‌ها، ارائه مثالهای نامناسب و گاهی بیربط یا اکثراً مربوط به زبان و بلاغت عربی، عدم بررسی کارکرد هنری آرایه‌ها، مشخص نمودن حوزه تحت پوشش هر آرایه و ... کما کان باقی است و کتابهایی که مدعی آوردن شیوه ای تازه بوده اند نیز نه تنها به حل مسأله کمک نکرده، بلکه متأسفانه برخی از آنها این نابسامانی و پریشانی را افزونتر کرده‌اند. بنابراین لزوم انجام پژوهشی کامل و جامع و دقیق در این زمینه احساس می‌شود.

اهداف تحقیق

هدف از این موضوع و اهتمام بر روی آن این است که یک بررسی دقیق، علمی و روشمند برای تعریف و تبیین آرایه‌های بدیعی و دسته بندی آنها صورت گیرد و ارزش و کارکرد زیبایی شناختی آنها روشن شود تا منتقدین در بررسی متون ادبی با عنایت به آنها آثار را محک بزنند. و بالاخره اثری منقح و مفید و کارآمد در این زمینه ارائه شود که بتواند به مشکلات این حوزه پایان داده آموزش این فنون را برای علاقه مندان تسهیل کند.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها:

منابع

منابع مورد مطالعه و نقد و بررسی ما در این پژوهش کتب بلاغی معتبر فارسی از نخستین آنها یعنی ترجمان البلاغه تا آخرین کتاب بدیع است که تاریخ انتشار آن 1388 شمسی است. و بدین ترتیب کتب معتبر بلاغی حدود هشت قرن بلاغت فارسی منبع اصلی ما بوده که مطالعه و مقایسه و نقد و بررسی شده و نظر اصلاحی و انتقادی خود را در مورد تک تک آرایه ها ارائه کرده ایم.

پرسشهای تحقیق

- 1- آیا بلاغت پارسی، مخصوصاً بدیع نیازمند طرح جدیدی که دقیق، همه‌جانبه و دور از آشفتگی باشد نیست؟
- 2- طبقه‌بندی صنایع بدیعی آن گونه که در کتب بدیع فارسی مطرح است چه مشکلاتی دارد؟ و آیا طبقه‌بندی‌های بهتری قابل تصور است؟
- 3- در زمینه نامگذاری، تعریف و مثالهای آرایه‌های بدیعی چه مشکلاتی در کتب بدیع فارسی وجود دارد؟
- 4- آیا آرایه‌های بدیعی قابل بررسی و انتقاد و اصلاح و ارائه تعریف و مثال مناسب و طبقه‌بندی در گروه شایسته‌تری هست؟

فرضیهها

1- کتب معتبر بلاغی فارسی اکثراً چیزی جز رونوشت‌برداری از کتب بلاغت عربی نیستند و حتی در بیشتر کتابهای بلاغت فارسی مثالها نیز تازی است. با عنایت به این حقیقت که دو زبان فارسی و عربی از دو خانواده متفاوت زبانی دنیا هستند که از لحاظ ساختار هم با هم تفاوت اساسی دارند و با توجه به قانون «نسبیت زبان» که بر اساس آن هیچ زبانی قابل انطباق صد درصد بر زبان دیگری نیست؛ باید طرح جامعی برای بلاغت و زیباییشناسی سخن فارسی ایجاد شود که تمام امکانات و ویژگیهای زبان فارسی در آن لحاظ شود و از آشفتگیهای موجود که نتیجه نادیده گرفتن واقعیت مذکور است جلوگیری شود.

2- طبقه‌بندی صنایع ادبی به صورت الفبایی یا طبقه‌بندی به صورت بدیع لفظی و معنوی نمی‌تواند بیانگر ارتباط واقعی بین صنایع باشد لذا باید صنایع ادبی بر اساس ماهیت و کارکرد هنری طبقه‌بندی شوند که هم یادگیری آنها برای مخاطب راحت‌تر باشد و هم طرحی جامع و دقیق از بدیع ارائه شود. از آنجا که هر لفظ، سه بُعد صوتی، نوشتاری و معنایی دارد و هر یک از این ابعاد محل هنجارگریزی و هنرآفرینی ادبی بوده است شایسته است که در طبقه‌بندی صنایع بدیعی به این سه بعد توجه شود و این ابعاد محور طبقه‌بندی کلان قرار گیرد.

3- تعاریف، ارائه مثالها و تعیین حدود برای صنایع بدیع در کتب بلاغت فارسی اکثراً نادرست و یا دارای مشکلات عدیده‌ای از قبیل اختصاص یک نام برای چند آرایه دارای کارکرد و ماهیت مختلف، اختصاص دو نام مختلف برای یک آرایه، ارائه مثال مختص یک آرایه دیگر بدون وجود ترفند مذکور در آن، ارائه تعریف و تقسیم‌بندی نادرست و بی‌فایده برای آرایه‌ها، عدم توجه به ماهیت هنری صنایع، عدم توجه به ابعاد سه‌گانه (لفظ، معنی و نوشتار(تصویر)) در تعریف و طبقه‌بندی صنایع، جداکردن بخشی از محدوده یک آرایه و اختلاط آن با بخشی از آرایه دیگر و اختصاص نامی جدید برای آن برای افزودن تعداد آرایه، مثال‌بافی برای آرایه‌هایی که مختص زبان فارسی نیست و به تقلید از زبان عربی وارد بلاغت فارسی شده است و ... است.

4- بررسی آرایه‌های بدیعی در طول تطور بلاغت فارسی نشان می‌دهد که می‌توان اکثر آنها را با توجه به ماهیت و کارکردشان در طبقات محدود، روشن و علمی طبقه‌بندی کرد و بدین سان باعث آسانی آموزش بدیع نیز شد. بسیاری از آرایه‌های ساختگی و من‌درآوردی یا آرایه‌هایی که در زبان و ادب فارسی کاربردی ندارد و به تقلید از کتب عربی وارد زبان فارسی شده، قابل حذف از کتب بلاغت فارسی است.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

روش تحقیق

روش اجرای این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل داده‌ها و نقد و بررسی و ارائه نظر نهایی است بدین طریق که ابتدا کتب معتبر لایحی فارسی را یک به یک به بررسی نموده، چگونگی نامگذاری، تعریف و تقسیم‌بندی آرایه‌ها و ارائه مثالها و میزان دقت علمی آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم سپس حسن و مزایا یا معایب آنها را معرفی و نقد می‌کنیم. بعد از آن اگر یافتن شخصی یا نظر انتقادی مهم و ارزشمند قابل طرح و کارساز در آن زمینه داشتیم آن را معرفی و تبیین می‌نماییم پس از آن سعی می‌کنیم ارزش زیبایی‌شناختی و کارکرد هنری آن را بررسی و تبیین نماییم و اگر تقسیم‌بندی یا نظر اصلاحی جدیدی در آن زمینه داشتیم ارائه می‌کنیم و بدین ترتیب تصویری جامع و انتقادی از سیر تطور آرایه و آخرین نظر اصلاحی و انتقادی درباره آن را ارائه می‌کنیم.

ت. یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری:

1- دانشهای بلاغی یا فنون زیباشناسی سخن در ادبیات فارسی به تقلید از ادبیات عرب تألیف شده و بسیاری از موارد بلاغت عربی در بلاغت فارسی مطرح شده که هیچ ارتباطی با ساختار و بافت زبان و ادبیات فارسی ندارند؛ در حالی که بر اساس قانون «نسبیت» هیچ زبانی در دنیا قابل انطباق صد درصد بر زبان دیگر نیست و این عدم انطباق در ادبیات شدیدتر است و ترجمه‌ناپذیری آثار ادبی دلیلی روشن بر این مدعاست.

2- فضل‌فروشی و تصنع‌گرایی یکی از آفت‌های مزمین در ادبیات فارسی بوده و در نتیجه بلاغیون روز به روز در تلاش برای ساختن و بافتن صنایع جدید و افزایش تعداد آنها بوده اند بدون توجه به اینکه ترفند مذکور اساساً کارکرد هنری دارد یا نه. و وجود صنایعی چون اطراد، الغا و ... که به اذعان خود بلاغیون حشو متوسط محسوب می‌شود نه موردی هنری بیانگر این حقیقت است.

3- مشکل دیگر در بلاغت فارسی رونوشت برداری و سرقت علمی در این دانشهاست که بلافاصله پس از تألیف اولین کتاب بلاغت فارسی «ترجمان البلاغه» آغاز می‌شود و پس از وی وطواط که با داعیه خلق اثری جدید و بهتر به میدان بلاغت فارسی آمده است نخستین پایه‌های این انحطاط و سرقت را بنا می‌نهد.

4- از لحاظ تقسیم‌بندی مطالب بلاغی نیز مشکلات اساسی وجود دارد و در این زمینه طرح جدید و جامعی که ترفندها را بر اساس ماهیت و عوامل پدید آورنده و کارکرد هنری و راز زیبایی و تأثیرگذاری آنها در طبقه‌های دقیق و علمی و محدود و مشخص قرار دهد ضرورت دارد.

5- تعدد اسامی، تعاریف ناقص، تقسیمات ریز و فرعی بی‌مورد، مثالهای نامناسب و اغلب عربی مشکلاتی است که جوینده‌گان دانش بدیع اغلب با آن مواجه هستند و باید تلاشی اساسی برای رفع این موارد صورت گیرد.

6- علمای بلاغت فارسی در گذشته و حتی در دوره معاصر فقط به بحث لفظ و معنا توجه کرده‌اند و از بُعد نوشتاری و خطی و در نتیجه بُعد تصویری اجزای زبان غافل شده‌اند. حتی آنهایی که در این زمینه مبدع‌نگاهی تازه بوده‌اند؛ در بحث از بدیع لفظی و معنوی‌نگاهی جامد و یکسوگرایانه داشته‌اند.

7- بدیع تصویری یکی از مهمترین زمینه‌های هنرنمایی شاعران بزرگ و مبدع زبان فارسی بوده که متأسفانه با وجود موارد زیاد و کاربرد آن در طول تاریخ ادب فارسی تا به امروز مغفول مانده است و باید علمای بدیع در تألیف آثار خود به این مسأله نیز توجه کنند.

8- ترفندهای بدیعی زمانی زیبا و تأثیرگذار خواهند بود که شاعر آگاهانه و برای اظهار فضل آنها را به کار نبرد؛ بلکه در جریان سرایش شعر و به فراخور نیاز عاطفی شاعر در ذهن او حاضر و در کلامش اعمال شود.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم ..

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

رئیس کتابخانه:

فهرست مطالب

1	پیشگفتار:
8	کلیات پژوهش
9	موضوع تحقیق
9	بیان مسأله
11	اهمیت موضوع
12	ضرورت تحقیق
12	اهداف تحقیق
13	پیشینه تحقیق
14	پرسشهای تحقیق
15	فرضیه ها
16	روش تحقیق
17	نتیجه گیری، یافته ها و پیشنهادات
17	نتیجه گیری و یافته‌ها:
18	پیشنهادات:
20	بخش یکم: زبان عادی و زبان ادبی
21	برقراری ارتباط؛ مهمترین نیاز بشر
21	زبان نهادی اجتماعی
21	بحث دلالت در زبان
23	جوهر و اصل زبان
23	نشانه و انواع آن
23	نشانه تصویری
24	نشانه طبیعی یا عقلی
24	نشانه وضعی
24	تفاوت نشانه وضعی با نشانه های تصویری و طبیعی
24	نشانه های زبانی و اجزای آنها
26	تعریف زبان با استفاده از مفهوم نشانه
26	زبان به عنوان یک ساخت یا سیستم
26	فرق زبان عادی و زبان ادبی
28	ادبیت و عوامل پدید آورنده آن
32	تاریخ مصرف هنجارگریزی های ادبی
33	آفرینش شعر
34	بخش دوم: تاریخچه علوم بلاغی
35	پیدایش بلاغت در اسلام و ایران

45	بخش سوم: علم بدیع در ادبیات فارسی
46	معنی لغوی و اصطلاحی بدیع
49	سیر علم بدیع در تاریخ ادب فارسی
49	بدیع در ایران پیش از اسلام
51	بدیع در ایران پس از اسلام
55	اهمیت علم بدیع و ارتباط آن با سایر علوم بلاغی و ادبی
55	لازمه کارکرد هنری و تأثیرگذاری ترندهای بدیعی
56	ارتباط بدیع با دانشهای زبانی و ادبی دیگر
57	ارتباط بدیع با معانی
57	ارتباط بدیع با بیان
58	ارتباط بدیع با عروض و قافیه
59	ارتباط بدیع با دستور زبان فارسی
59	ارتباط بدیع با نقد ادبی
59	ارتباط بدیع با سبک شناسی
60	ارتباط بدیع با سبک دوره
61	نقش آرایه های بدیعی در تکوین سبک شخصی
63	قصاید بدیعی (مصنوع) در ادب فارسی
64	تعریف قصاید بدیعی
64	تاریخچه سرایش قصاید بدیعی
66	علل فراموشی بدیعیه سرایی در ادب فارسی
67	لزوم بازبینی و بررسی انتقادی بدیع
69	بخش چهارم: بررسی انتقادی آرایه های بدیع لفظی
70	لفظ و ابعاد و ویژگی های مختلف آن
72	نقش عوامل موسیقایی و لفظی در ساختار هنری شعر و زیبایی آن
75	تعریف بدیع لفظی و نقد آن
78	حدود و کارکرد هنری صنایع لفظی
81	تقسیم بندی آرایه های بدیع لفظی
81	نقد آرایه های بدیع لفظی به ترتیب
82	روش تسجیع
86	تعریف سجع و انواع آن
88	سجع (فاصله) در قرآن و نقش بلاغی آن
89	نقش و کارکرد هنری و زیباشناختی سجع
93	اهمیت طبیعی و غیرتصنعی بودن سجع
94	روش تسجیع در سطح کلمه

94	نقد انواع سه گانه سجع در کتب بدیعی
94	سجع متوازی
99	سجع مطرف
102	سجع متوازن
106	روش تسجیع در سطح کلام
107	ترصیع
114	موازنه و مماثله
117	تکرار نحوی
118	تسمیط یا تسجیع
120	تضمین المزدوج یا اعنات القرینه
123	ازدواج
124	ترصیع معالتجنیس یا ترصیع و التجنیس
124	روش تجنیس
125	معنی لغوی و اصطلاحی جناس
126	جناس در ادبیات عرب
127	روش تجنیس در سطح کلمه
133	انواع جناس
133	جناس تام
137	جناس ناقص یا محرف
137	جناس لفظ
139	جناس خط یا مصحف
143	جناس مرکب، ملفق، مشابه، مرفوع
145	جناس ملفق یا مشابه:
145	جناس مزدوج یا مکرر
148	جناس افزایشی (زاید)
152	جناس افزایشی
152	انواع جناس افزایشی:
152	جناس مزید:
153	جناس زاید:
153	جناس مذیل:
153	جناس اختلافی
155	جناس اشتقاق و شبه اشتقاق
160	جناس قلب
168	روش تجنیس در سطح کلام

168	ترصیع مع التجنیس
171	قلب مستوی
171	روش تکرار
173	تکرار واج (واج آرایبی)
176	نقد تنافر حروف و کلمات
180	تکرار هجا
182	تکرار واژه
182	تکرار واژه در آغاز و انجام بیت (بنسری یا تصدیر)
190	تکرار واژه آخر بیتی در آغاز بیت بعد (سربنی)
192	ردالقافیه
194	تکرار واژه در سراسر اثر (التزام یا اعنات)
195	تکرار یا تکریر
197	تکرار با جا به جایی واژگان
197	عکس
206	سؤال و جواب
206	تکرار عبارت یا جمله
207	رد المطلع
209	نتیجه گیری بدیع لفظی
210	روش تسجیع
213	روش تجنیس
219	روش تکرار
226	بخش پنجم: بررسی انتقادی آرایه های بدیع معنوی
227	تعریف بدیع معنوی
230	نقد تقسیم بندی آرایه های بدیع معنوی
231	نقد آرایه های بدیع معنوی به ترتیب روشهای ایجاد آنها
231	روش تشبیه
231	مبالغه، اغراق و غلو
246	جمع
254	اعداد
257	تفریق
263	تقسیم
275	جمع و تفریق
281	جمع و تقسیم
285	تفریق و تقسیم

286	جمع و تفریق و تقسیم
292	تجاهل العارف
307	ارسال المثل یا تمثیل
322	تجسّم
323	حرف گرائی:
324	بدل بلاغی
325	روش تناسب
327	مراعات نظیر
355	تضاد
377	مقابله
381	پارادوکس (متناقض نما)
390	زیبایی های متناقض نما
394	حسن آمیزی
400	تلمیح
414	ارصاد و تسهیم
428	براعت استهلال
438	حسن تخلص یا حسن مخلص
450	حشو ملیح
482	ازدواج یا مزاجت
487	عقد
496	جابه جایی صفت
501	صدامعنائی
510	رجوع
522	روش ایهام
522	معنی لغوی و اصطلاحی ایهام
524	کارکرد روان شناختی ایهام
525	ایهام راه ایجاد طنز و سپر یا مفرّی برای شاعر منتقد
526	معانی چندگانه ایهام و دوری و نزدیکی آنها
584	ایهام چند معنایی (= توازی)
585	ایهام توازی واژگانی
585	ایهام توازی ساختاری (= چندساختی)
586	ایهام توازی سازه‌ای - ساختاری
587	ایهام کنایی
587	ایهام استخدامی

588	ایهام گونه‌گون خوانی
589	ایهام اشاری
590	ایهام تناسب
590	ایهام ترادف
591	ایهام تضاد
591	ایهام پارادوکس
592	ایهام جناس
592	ایهام جناس گونه‌گون خوانی
593	ایهام اشتقاقی
593	ایهام شبکه‌ای
594	ایهام نام‌واژه‌ای
598	استثنای منقطع
602	اسلوب حکیم
610	اسلوب حکیم و لطیفه
615	استتباع
622	امر بدیهی
624	مدح شبیه به ذم
635	ذم شبیه به مدح
639	محتمل الضدین یا ذووجهین
639	حسن طلب
647	نسبی بودن درک معانی ایهام
647	روش ترتیب کلام
648	لف و نشر
662	زیبایی های لَف و نشر
663	لف و نشر مشوش
667	تقسیم
667	متتابع
671	إعداد
684	سیاقه الأعداد
684	تنسیق الصفات
693	قلب مطلب
697	اطراد
698	التفات
703	روش تعلیل و توجیه

704	حسن تعلیل
713	مذهب کلامی
721	دلیل عکس
722	سؤال و جواب
731	نتیجه‌گیری بدیع معنوی
734	نقد طبقه‌بندی بدیع معنوی
735	روش تشبیه
740	روش تناسب
757	روش ایهام
765	ترتیب کلام
767	روش تعلیل و توجیه
770	بخش ششم: بدیع تصویری یا شعر تجسمی
771	نقش تصویر در تاریخ تکامل خط
773	نشانه شناسی و انواع نشانه
773	تعریف نشانه
773	انواع نشانه
774	قابلیت های نشانه تصویری
775	بدیع تصویری
776	اهمیت بدیع تصویری
777	شعر عینی یا دیداری (تجسمی)
778	تاریخچه شعر عینی یا دیداری
780	تفاوت شعر تصویری با شعر دیداری
782	تاریخچه بدیع تصویری یا شعر تجسمی در ادبیات فارسی
783	سابقه ترفندهای تصویری در کتب بدیعی فارسی
786	تقسیم بندی ترفندهای بدیع تصویری فارسی
786	تصویر سازی از طریق لفظ (قابلیت صوتی واجها)
788	معنی صدایی:
790	صدامعنایی:
791	تصویرسازی از طریق معنی
792	تصویر به صورت یک فیلم زنده
793	تصویرسازی بسان تابلوی نقاشی
793	تصویری کردن امور انتزاعی و ذهنی (تجسم)
794	تصویرسازی از طریق شکل نوشتاری حروف، کلمات و متن شعر
795	تصویرسازی از طریق شکل نوشتاری حروف

795	واج آرایی
795	واج آرایی بدون رساندن معنایی یا ترسیم نقش و نگاری
795	واج آرایی برای رساندن معنا و مفهوم خاص یا تقویت معنی شعر(صدا معنایی)
796	واج آرایی برای ارائه تصویری خاص
797	حرف گرایی
797	تشبیه پدیده ها به شکل نوشتاری حروف
797	تشبیه حروف به پدیده ها
797	استفاده از قابلیت های الفبایی و نگارشی حروف برای بیان اندیشه شاعرانه
799	ترکیب حرفی از یک واژه با حرف یا حروفی از واژه های دیگر و خلق مضمون
799	ترکیب حروف جداگانه و ساختن واژه و بیان مضمون
800	ساختن ماده تاریخ با حروف و ترکیب آنها و خلق واژه و مضمون
800	نقاشی با ترکیب حروف و نویسه های منفرد و جدا از هم
800	تکرار یک حرف یا نویسه (یا حتی علائم سجاوندی) برای ساختن تصویر
802	استفاده از ترکیب حروف و نویسه های مختلف برای ساختن تصویر
803	تصویرسازی از طریق شکل نوشتاری کلمات و ترتیب و جایگاه حروف درون آن
803	تصویرسازی از طریق شکل نوشتاری حروف و اجزای واژه و ترتیب و جایگاه آنها در واژه
804	تصویرسازی از طریق ریخت و شکل نوشتاری واژه
807	شکل نوشتاری واژه پدید آورنده برخی از آرایه های بدیعی
808	جناس تام
808	جناس ناقص
808	جناس خط
808	جناس مرکب
808	ایهام
808	ایهام تناسب
809	ایهام تضاد
809	ایهام ترجمه
809	ایهام ترادف
809	ایهام خوانشی
810	توجه به شکل نوشتاری واژه به عنوان تصویر و اراده معنی و خلق مضمون
811	تصویرسازی از طریق شکل نوشتاری متن شعر
812	نقاشی با تکرار شکل نوشتاری یک واژه یا جمله
812	نقاشی با تکرار شکل نوشتاری یک واژه
813	نقاشی با تکرار شکل نوشتاری یک جمله
813	ساختن تصویر با استفاده از قلمها(فونتها) و اندازه ها و امکانات چاپی متنوع

815	ساختن تصویر به وسیله کلمات و جملات گوناگون.....
816	واگشایی واجهای یک کلمه یا عبارت برای خلق تصویر.....
816	واگشایی واجهای یک کلمه.....
817	واگشایی واجهای جمله یا عبارت.....
818	ساختن تصویر با برشی از نوشته های یک متن.....
818	تصویرسازی از طریق ترکیب جملات و کلمات متن با تصویر.....
818	استفاده از نوشتار درون تصویر.....
819	استفاده از نقاشی و تصویر درون نوشتار.....
819	داخل کردن تصویر و نقاشی درون کلمه.....
819	نقاشی کردن با خوشنویسی و فنون آن.....
820	نتیجه گیری بدیع تصویری:.....
822	بخش هفتم: جمع بندی و نتیجه گیری.....
828	فهرست منابع:.....

پیشگفتار:

عالم ادبیات عالمی رازناک و خیال‌انگیز است و گام زدن در چنین عالمی به منزله وارد شدن در دنیای ناشناخته و اسرارآمیزی است که هر قدر بیشتر در آن وارد شویم اگرچه برخی از آن رازها آشکار می‌شود اما باز رازهای بیشتری رخ می‌نماید. وجود کنجکاو انسان از این رازآلودی و خیال‌انگیزی نه تنها خسته نمی‌شود بلکه ابهام را یکی از خصوصیات لذت بخش عالم ادبیات و آثار ادبی می‌داند و سعی می‌کند به مدد قوه خیال با آن درگیر شود و با گشودن رازها و نهانها لذتی، بهره‌ای و توشه‌ای برای خود گیرد. از سوی دیگر نهاد زیبایی‌جوی و زیباپسند او در ورای این پیچشها و دشواریها نوعی زیبایی و جذابیت درمی‌یابد که کشف زوایای این زیبایی و عوامل پدیدآورنده آن برای او جالب است و او را با خیال هنرمند (شاعر و نویسنده) که در ورای این بافت زیبا، دلکش و هنری نهان است آشنا می‌کند به نحوی که گویی اتفاقاتی که برای شاعر یا نویسنده در زمان خلق اثر افتاده و آن شور و حالی که وی داشته در وجود او تکرار می‌شود اما این تکرار در مخاطب روندی وارونه دارد؛ یعنی شاعر و نویسنده نخست شوری و شرری در جان خویش دریافته و آن شور و حال او را به عالمی دیگرگون رهنمون شده و نتیجه ورود به این عالم دیگرگون، گزارشی است از این شور حال اما با زبانی دیگرگون و مغایر با زبان عوام. در حالی که مخاطب ابتدا با اثر ادبی به عنوان اثری مکتوب روبروست و او باید نخست آن اثر را بخواند و آن زبان دیگرگون را دریابد و بکوشد با عبور از دشواریها و پیچشهای آن، در ورای این زبان دیگرگون، اصل آن شور حال و خیال را دریابد و اگر اثر، اصیل و تجربه شاعرانه بازگو شده در آن، تجربه واقعی خود شاعر باشد مخاطب آن را در وجود خود احساس خواهد کرد چنان که گویی خود آن را گفته است و بر زبان شاعر رفته، آنچه که در دل او بوده است.

ادبیات را در فرهنگهای معتبر چنین معنی کرده‌اند «نوشته‌هایی که بسان آثاری هنری دارای ارزش هستند مخصوصاً رمانها، نمایشنامه‌ها (برخلاف کتب فنی، روزنامه‌ها، مجلات و ...)»¹ و این بیانگر اشتراک آثار ادبی با آثار هنری است به نحوی که باید گفت حتی بیشتر ویژگیهای آثار هنری دیگری چون نقاشی، موسیقی و ... در ادبیات وجود دارد؛ به علاوه ویژگیهای زیبایی‌آفرین دیگری که مختص ادبیات است و دیگر هنرها از آن بی‌بهره‌اند. ادبیات از آنجا که انتقال اندیشه و احساس در قالب کلام زیبا و تأثیرگذار است وارد مقوله هنر می‌شود. «ادب زبانی است که جادوی هنر آن را شگفت، شیرین و شورانگیز کرده است. در این هنگام، زبان، دیگر زبان نیست؛ پدیده‌ای هنری است. هر آنچه درباره هنر می‌اندیشیم و می‌دانیم، هر آنچه شایسته یا بایسته هنر است، در زبان، زبانی که به قلمرو جادویی ادب رسیده است نیز راست می‌آید و رواست» (کزازی: 1387: 14) همانطور که نقاش با استفاده از بوم و رنگ، آنچه را که در ذهن و دل دارد به صورت تابلویی زیبا و جذاب نمایش می‌دهد و مجسمه‌ساز با قلم و تیشه صورتهایی را که در ذهن خویش دارد از دل سنگ و چوب و امثال آنها بدر می‌کشد و خلق می‌کند و موسیقی‌دان نغمه‌ها و شور و شررهای روح خویش را با استفاده از نُت‌ها و آلات موسیقی به صورت آهنگی روح‌نواز خلق می‌کند؛ شاعر و نویسنده نیز تپش‌های دل بی‌قرار و احساسات روح حساس خویش را با استفاده از کلام زیبا و تأثیرگذار انتقال می‌دهد. هنرمندان برای خلق اثر هنری خویش از چیزی به عنوان ماده اولیه استفاده می‌کنند. ماده اولیه پیکرتراش، سنگ و چوب و نقاش بوم و رنگ و موسیقی‌دان، آلات موسیقی، نُت‌ها و ... است. ادیب و شاعر نیز برای خلق هنر و اثر هنری خویش از ماده اولیه‌ای سود می‌برد و آن همانا زبان است. زبان بیش از اینکه وسیله آفرینش هنری و خلق زیبایی باشد، وسیله ایجاد ارتباط و انتقال و درک پیام است. زبان‌شناسان نقشهای متعددی برای زبان قائل شده‌اند که اگرچه در تعداد آنها اختلاف نظر وجود

1- Pieces of writing that are valued as works of art, especially novels, plays and poems (in contrast to technical books and newspapers, magazines, etc.) (Angela Carwley: 2004: 751)

دارد اما همه آنها برآنند که مهمترین ویژگی آن برقراری ارتباط است. یکی دیگر از نقشهای مهم زبان «نقش ادبی» آن یا نقش «زیبایی آفرینی» است. در حقیقت شعر و ادبیات در زبان و با زبان خلق می شود اما فراتر از زبان عادی و در جایگاه اثری هنری می نشیند «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می دهد و در حقیقت، گوینده شعر، با شعر خود عملی در زبان انجام می دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی- یا به قول ساخت‌گرایان چک: زبان اتوماتیکی- تمایزی احساس می کند. این تمایز می تواند علل بسیاری داشته باشد، عللی شناخته شده و عللی غیرقابل شناخت. اتفاقاً شعر حقیقی، شعر ابدی، همان شعری است که علت تمایز آن از زبان مبتذل و معمول، در تمام ساحات قابل تعلیل و تحلیل نیست» (شفیعی کدکنی: 1385: 3)

همه انسانها از زبان استفاده می کنند، اما استفاده شاعر یا نویسنده از زبان با استفاده افراد عادی جامعه فرق دارد. در ادبیات جملات، کلمات و حتی واجها طوری به کار می روند که در زبان عادی چنین کاربردی مشهود و متعارف نیست. شاعر از منطق و قوانین عادی زبان که هدف آن صرفاً رسانایی و انتقال اندیشه است پیروی نمی کند و با دست بردن در قوانین آن و هنجارشکنی در زبان، کاربردهای جدیدی برای اجزای زبان ایجاد می کند و این هنجارشکنی‌ها- که البته بر اساس اصول و موازین خاصی صورت می گیرد- باعث ایجاد زبانی زیبا، ادبی و تأثیرگذار می شود و زبان را از سطح عادی و اطلاع‌رسانی محض به سطحی والا و هنری ارتقاء می دهد. گویی در زبان ادبی کلمات حیات، معانی و کاربردهایی متفاوت می یابند. «یکی از صورت‌گرایان روسی شعر را «رستاخیز کلمه‌ها» خوانده است و درست به قلب حقیقت دست یافته. زیرا در زبان روزمره کلمات طوری به کار می روند که اعتیادی و مرده‌اند و به هیچ روی توجه ما را جلب نمی کنند ولی در شعر، و ای بسا که با مختصر پس و پیش شدنی این مردگان زندگی می یابند» (همان: 5)